

ابعاد سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به آمریکا

وحیده احمدی*

اشاره:

فضای تنش آلود کاخ سفید و تل آویو، پس از دیدار رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر رژیم صهیونیستی در ۱۸ آبان ماه، وارد مرحله جدیدی شد. اگرچه اظهارات این دو در جریان این دیدار، حاوی مسائل و نکات چندان قابل ملاحظه‌ای نبود، اما بررسی جوانب این رویداد نشان می‌دهد اسرائیل در روابط خود با دموکرات‌ها، انگیزه‌های جدیدی را ترسیم کرده است، ضمن اینکه بسترهای سیاسی که این رژیم، در حال حاضر با آنها مواجه است، اهداف کنونی راست گرایان حاکم در اسرائیل را متأثر نموده است. در این نوشتار به انگیزه‌ها، اهداف و بسترهای موجود در روابط کنونی آمریکا و اسرائیل پرداخته خواهد شد.

مقدمه

اصلی در تیرگی روابط تلاویو با واشنگتن متهم کردند. شکاف در ساختار سیاسی اسرائیل به گونه‌ای بود که از سوی رئیس جمهور اسرائیل هم سو با احزاب مخالف مانند جبهه صهیونیست، ضمن انتقاد از مواضع نتانیاهو، نگرانی خود را در مورد مناسبات با آمریکا اعلام نمود و در مقابل وزرای کابینه نتانیاهو همچون نفتالی بنت، اوپاما را به قربانی کردن اسرائیل متهم کردند. با وجود شکاف‌های داخلی، راست گرایان همچنان به تلاش در چارچوب اهداف خود ادامه دادند و اقداماتی از جمله تدوین سند از سوی دفتر نخست وزیر اسرائیل در مخالفت با توافق هسته‌ای و بالطبع مخالف با برنامه‌های کاخ سفید برای ارائه به کنگره آماده شد. پس از آنکه به رغم تلاش‌های تل آویو برای عدم تصویب برنامه توافق هسته‌ای در کنگره، دموکرات‌ها از سد جمهوری خواهان گذشتند و کاخ سفید پیروز کشاکش سیاسی با راست گرایان تل آویو شد، خطوط جدیدی به خط مشی سیاسی این رژیم وارد شده که به صورت آشکار در دیدار اخیر نتانیاهو از آمریکا، بازتاب یافت. نقطه کانونی این خط مشی جدید، پذیرش ناگزیرانه توافق هسته‌ای با ایران و تلاش برای بهبود روابط با آمریکاست. این در حالی است که وضعیت و شرایط میدانی که اسرائیل در حال حاضر با آن رویاروست، ضرورت حمایت آمریکا از این رژیم را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین، گزارش حاضر تلاش خواهد کرد به سه سؤال پاسخ دهد:

دیدار اخیر نتانیاهو از آمریکا نشانگر چه روندی در روابط طرفین

بود؟

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی ماه گذشته با باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن دیدار کرد. این دیدار در حالی انجام شد که روابط این دو مقام سیاسی در ماه‌های اخیر به ویژه پس از آنکه نتانیاهو به رغم مخالفت و نارضایتی اوباما در کنگره حضور یافت و علیه برنامه دموکرات‌ها در مورد توافق هسته‌ای با ایران سخنرانی کرد، به حداقل ممکن خود رسیده بود. پیروزی نتانیاهو در انتخابات زودرس کنست در اسفندماه سال گذشته، بستری برای ادامه سیاست‌های راست گرایان حاکم در قبال واشنگتن بود که با تلاش تل آویو برای ممانعت از توافق هسته‌ای به رغم حمایت کاخ سفید از پیشروی مذاکرات قدرت‌های بین‌المللی با ایران و سپس تلاش برای مانع تراشی در مقابل تصویب برجام در کنگره آمریکا، همچنان تداوم یافت. سیاست‌های خصمانه راست گرایان افراطی حاکم در اسرائیل با دموکرات‌های کاخ سفید به گونه‌ای بود که این امر به یکی از نقاط اصلی اختلاف در میان احزاب تبدیل شده و احزاب چپ، راست گرایان را به عدم توجه به جایگاه آمریکا در امنیت اسرائیل و عامل

چه شرایطی موجب تسریع تلاش‌های اسرائیل برای تغییر سیاست در مورد کاخ سفید شده است؟
مهم‌ترین هدف و انگیزه نخست‌وزیر اسرائیل از این دیدار چه بود؟

تنش‌زدایی ناگزیر؛ محور روابط کاخ سفید- تل‌آویو

اظهارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار مشترک آنها، از تمایل طرفین برای پیشبرد تنش‌زدایی و بازگشت به روابط دوستانه حکایت داشت. قدردانی نتانیاهو از «کمک‌های سخاوتمندانه آمریکا در مسائل دفاعی» و در مقابل تأکید او بامامینی بر «امنیت اسرائیل به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا»، نشان داد آنها در یک توافق نانوشته، بر پرهیز از بیان مسائل تنش‌آلود اتفاق نظر داشته و به منظور ترمیم شکاف‌های موجود، این دیدار را ترتیب داده‌اند. توافق هسته‌ای با ایران و مذاکرات سازش با محمود عباس دو موضوعی بود که طرفین عامدانه به بیان کلیات در مورد آنها پرداخته و به تکرار بسترهای مشترک که همواره مورد تأکید قرار داده بودند، پرداختند.

بر این اساس، نتانیاهو محتاطانه از ورود به توافق هسته‌ای ایران به دلیل حساسیت‌زایی موضوع و وجود اختلافات اساسی با کاخ سفید، اجتناب کرد و در مقابل به تهدیدات موقعیت امنیتی اسرائیل از جانب ایران در سوریه پرداخت. بر این مبنای «استقرار پایگاه عملیاتی در بلندی‌های جولان، استفاده از خاک سوریه برای حمله به اسرائیل و انتقال تجهیزات نظامی مهم به حزب الله لبنان»، به عنوان مهم‌ترین خطوط امنیتی اسرائیل در تقابل با ایران از سوی نتانیاهو مورد تأکید قرار گرفت. نتانیاهو در کنفرانس خبری با خبرنگاران و نیز سخنرانی در جمع یهودیان، مؤسسات مطالعاتی و یهودی، ملاحظات گفتگو با او بامام را رعایت کرد. وی در سخنرانی در مؤسسه مطالعاتی اینترپرایز، هم‌سو با اظهارات او بامام، در مورد اوضاع آشفته خاورمیانه ابراز نگرانی کرد؛ اگرچه تهدید اصلی در این فضا را «وضعیت داخلی سرزمین‌های اشغالی و ایران» توصیف کرد و در مقابل جنگ بشار اسد و داعش را که «به عنوان دو دشمن بد، یکدیگر را تضعیف می‌کنند»، به نفع اسرائیل دانست. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی همچنین در فدراسیون یهودیان آمریکای شمالی، «تلاش برای حفظ تعهدات ایران در قبال توافق هسته‌ای، ممانعت از تجاوز منطقه‌ای ایران و مبارزه با تروریسم ایران در جهان» را نقاط اشتراک اسرائیل و آمریکا توصیف کرد. رئیس‌جمهور آمریکا نیز در مقابل دستیابی به «زمینه‌های مشترک» با اسرائیل در مرحله پس‌اتوافق با ایران را حائز اهمیت خواند و «همکاری‌های امنیتی دو کشور را قوی‌تر از هر زمان دیگری» دانست. وی

در سخنانی قبل از دیدار با نتانیاهو ضمن اذعان به اختلافات جدی در مورد توافق هسته‌ای با ایران، «مهار فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران که ممکن است در حال وقوع باشد» و «نیاز به اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح اتمی» را نقاط اشتراک فی‌مابین دانست. یکی دیگر از مسائل مهمی که می‌توانست جرعه اختلاف نظر دموکرات‌های کاخ سفید باراست‌گرایان حاکم در تلاویو را روشن کند، مذاکرات سازش با تشکیلات خودگردان بود. در حالی که او بامام و کری، با انتقاد از ساختار حاکم اسرائیل، نقض تعهدات اسرائیل در آزادی زندانیان اسلو، عدم عقب‌نشینی اسرائیل از کرانه باختری و تداوم شهرک‌سازی را دلایل اصلی بن‌بست مذاکرات صلح و وقایع کنونی سرزمین‌های اشغالی قلمداد می‌کنند اما او بامام بر اهمیت «حق مشروع اسرائیل برای دفاع از شهروندان خود» تأکید نمود و همراه با نتانیاهو برای ازسرگیری تلاش‌های صلح، ابراز امیدواری کرد. وی اعلام کرد: «اگرچه من بر این باورم که اسرائیل تنها طرف محق در این وضعیت نیست اما به شدت خشونت علیه شهروندان اسرائیلی را محکوم می‌کنم.» بر همین منوال، نتانیاهو با تأکید بر تلاش‌های دولتش برای رضایت فلسطینی‌ها با پیشبرد اقداماتی همچون «تسهیلاتی در جهت مصرف آب، دریافت جواز کار در اسرائیل و کمک به طرح‌های عمرانی در کرانه باختری»، سخن گفت و هدف اسرائیل را «صلح بر مبنای راه حل دو دولتی» خواند. بدین ترتیب طرفین به صورت آگاهانه‌ای تلاش کردند مسیر گفتگوها را از موضعی که به صورت حل‌ناشده همچنان باقی است، دور کرده و در مقابل فضاهایی که اشتراک دیدگاه در آنها غلبه داشته است را گسترش دهند. از این رو، مهم‌ترین محورهایی که در اظهارات این

لازم برای تسریع تنش‌زدایی با کاخ سفید را فراهم نموده است. مهم‌ترین عوامل تسریع‌کننده را می‌توان نقش ایران در مرحله پساتوافق در منطقه و فضای بین‌المللی، اوضاع داخلی سرزمین‌های اشغالی و ایجاد شکاف میان یهودیان آمریکا دانست.

نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در مرحله پساتوافق: یکی از نگرانی‌های مهم اسرائیل در مورد توافق هسته‌ای، خروج ایران از انزوا و پذیرش نقش آن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. تلاش‌های مختلف تلاویو برای عدم دستیابی به توافق، ناظر به این نکته است که وضعیت ایران قبل از ورود به مذاکرات هسته‌ای، یکی از موقعیت‌های ایده‌آل برای راست‌گرایان صهیونیست بود. تحریم اقتصادی، بایکوت دیپلماتیک و برآوردهای مبتنی بر ایجاد شکاف داخلی در صورت تداوم شرایط مذکور، بنیامین نتانیاهو را در کسوت طرف پیروز میدان، معرفی کرد. با تغییر این شرایط که با حمایت آمریکا همراه بود، نه تنها پیروزی‌های مبتنی بر سیاست ایران‌هراسی متوقف شد، بلکه چشم‌انداز تهدیدزایی در رابطه با گسترش نقش آفرینی و توانایی ایران برای همراه‌سازی کشورهای اروپایی و حتی آمریکا در برخی اهداف منطقه‌ای ایران ترسیم شد. از این رو، تهدیدات زیر موجب شد اسرائیل به سوی تغییر سیاست رویگردانی از کاخ سفید و تسریع تنش‌زدایی گام بردارد:

- خروج از انفعال: تلاش‌های بی‌نتیجه اسرائیل طی مذاکرات هسته‌ای برای مانع‌تراشی در مقابل توافق و نیز تقابل با کاخ سفید به گفته رئیس جمهور رژیم صهیونیستی، یکی از بسترهای انزوای بین‌المللی اسرائیل معرفی شد. این امر با امضای توافق هسته‌ای جلوه محسوس‌تری به خود گرفت و لزوم خروج از انفعال را برای رژیم صهیونیستی بیش از پیش مورد تأکید قرار داد. علاوه بر این، مصادیق و روندهای تهدیدزایی جدیدی که در منطقه به وقوع پیوست، همچون همراه‌سازی روسیه در حمایت از بشار اسد، فضای مناسبی برای نزدیکی اسرائیل به کاخ سفید، ایجاد کرد. به نظر می‌رسد اسرائیل با این فرض که می‌تواند از رقابت روسیه و آمریکا در راستای منافع خود علیه ایران و نیز خروج از انفعال استفاده کند، روند نزدیکی به کاخ سفید را تسریع بخشید.

- تهدیدات میدانی: بحران سوریه اگرچه تقسیم انرژی مقاومت را در پی داشته و یکی از موفقیت‌های استراتژیک اسرائیل به شمار می‌رود، اما یکی از پیامدهای مهم آن، نزدیکی میدانی ایران و حزب الله و تمرینی برای همکاری نظامی این دو است. از این رو، فعالیت‌ها و همکاری‌های در حال جریان، تقویت تسلیحاتی و انتقال سلاح سنگین ایران به حزب الله و همچنین سیطره ایران بر مناطق استراتژیکی مانند بلندی‌های جولان

دو مقام ارشد سیاسی بیان شد، بیش از آنکه حول برنامه‌های مشترک و رایزنی‌های سیاسی و استراتژیک دو جانبه، به پیش‌رود با تمرکز بر مسائل کلی منطقه و نیز اسرائیل و فلسطین و با هدف دلجویی و عادی‌سازی روابط انجام شد. علاوه بر احتیاط طرفین در اظهارات خود، اقداماتی همچون وعده آزادی مشروط جانان‌پولارد جاسوس اسرائیلی که از سال ۱۹۸۵، در زندان فدرال آمریکا به سر می‌برد و نیز دعوت از ریولین رئیس‌جمهور اسرائیل در ماه آتی و یا وعده نتانیاهو برای تجدیدنظر در انتخاب جان باراتز که عبارات توهین‌آمیزی را به او بام و جان کری نسبت داده بود، عنوان سخنگوی خود نشان از تمایل دموکرات‌ها و راست‌گرایان برای عادی‌سازی روابط بود. با وجود این، اختلاف‌ها و شکاف‌هایی که میان این دو ساختار سیاسی، همچنان وجود دارد، نشان می‌دهد این دیدار بیش از همه ناشی از بستریایی بوده است که به موجب آنها اسرائیل را به بازگشت به سمت دموکرات‌ها در این مقطع زمانی سوق داده است. به نظر می‌رسد با وجود تداوم سیاست‌های ناخوشایند کاخ سفید در قبال اسرائیل همچون جانب‌داری از برچسب‌زنی به محصولات شهرک‌های کرانه باختری و پیرو تصویب این امر در اتحادیه اروپا در روزهای اخیر، در صورتی که بسترهای تسریع‌کننده وجود نمی‌داشت، وقت‌کشی و تداوم روابط سرد با کاخ سفید تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، گزینه برتری برای نتانیاهو بود.

بسترهای تسریع‌کننده در تنش‌زدایی روابط تل‌آویو - واشنگتن

به نظر می‌رسد شرایط و اقتضائاتی که اسرائیل با آن در حال حاضر مواجه شده، بسترهای



که نتایهاو در دیدار با اوباما نیز بر آنها تأکید کرد، از تهدیدات مهم در قبال اسرائیل شمرده می‌شود. حمله هوایی گاه و بی‌گاه رژیم صهیونیستی به سوریه همانند آذر ۹۳ به منظور شکست عملیات انتقال سلاح‌های ایران به حزب الله نشانگر اهمیت این موضوع برای اسرائیل است. بدین ترتیب، اسرائیل در وضعیت کنونی که نقش ایران در سوریه برای طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مورد قبول واقع شده، نیازمند همکاری تنگاتنگ با کاخ سفید برای نظارت و کنترل هرچه بیشتر اقدامات ایران، تحدید نقش این کشور و همچنین اعمال فشار در راستای اهداف مورد نظر خود بر فضای بین‌المللی به ویژه آمریکا، به بهانه ناامنی در مرزهای سرزمین‌های اشغالی از سوی ایران است.

اوضاع نابسامان سرزمین‌های اشغالی: از دیگر عوامل مهمی که موجب تسریع بازگشت راست‌گرایان به کاخ سفید شد، اوضاع نابسامان سرزمین‌های اشغالی است. شروع ناآرامی در قدس و گسترش آن به کرانه باختری و در نهایت شروع انتفاضه سوم، طی دو ماه اخیر موجب شده تلاویو با ناامنی‌های بسیاری مواجه شود. ناآرامی‌ها از روز یکشنبه ۲۲ شهریور و در پی ورود تحریک‌آمیز وزیر کشاورزی رژیم صهیونیستی و ۱۲۰ تن از نیروها و شهرک‌نشینان صهیونیست به صحن مسجد الاقصی به بهانه اعیاد سال جدید یهودی آغاز شد. این در حالی است که به گزارش اداره آمار فلسطین، از آغاز سال جاری حدود ۱۰ هزار شهرک‌نشین به مسجد الاقصی یورش آورده و چهار بار نیز مورد یورش نظامیان قرار گرفته است. با وجود این، محرک اصلی خشم فلسطینی‌ها، طرح تقسیم‌بندی زمانی مسجد الاقصی بود که بر اساس آن، در ساعاتی از روز فقط یهودیان اجازه ورود به این مکان را داشتند. پس از آن، زمزمه‌هایی مبنی بر تقسیم مکانی آن که راست‌گرایان و جریان‌های افراطی یهودی خواستار آن بودند، منجر به گسترش اعتراضات فلسطینی‌ها شد. این در حالی بود که یورش به نمازگزاران فلسطینی در سال جاری در دامنه وسیعی از سوی افراط‌گرایان صهیونیست، به وقوع پیوست. نتیجه این رویدادها، گسترش موج خشم و در پی آن وقوع انتفاضه سوم بوده که در حال حاضر در جریان است و موجب کشته و زخمی شدن بسیاری از فلسطینی‌ها در تظاهرات ضد صهیونیستی و عملیات‌های انتحاری علیه نظامیان اسرائیل شده است. بر این مبنای، در دو ماه اخیر، فضای امنیتی شدیدی در بیت المقدس و کرانه باختری حاکم شده است. استقرار ۸۰۰ نیروی جدید در قدس که به نیروهای امنیتی در این شهر اضافه شده‌اند، استفاده از سنگ‌های تهاجمی و آموزش دیده پلیس برای مقابله با کسانی که سنگ پرتاب می‌کنند، نصب شبکه‌ای از دوربین‌های ویژه با قابلیت تصویربرداری در شب در مناطق

برخورد بین محله‌های عربی و شهرک‌های بخش شرقی قدس، استقرار هشت بالن مجهز به دوربین‌های پلیس در آسمان مناطق حساس شهر، تصویب تخریب منازل فلسطینی‌هایی که به تعبیر نتایهاو علیه اسرائیلی‌ها به خشونت متوسل می‌شوند، از جمله این تدابیر امنیتی بوده است. با وجود این، تداوم شرایط موجود، نتایهاو را ناگزیر به ملاقات با جان کری در برلین کرد. کری پس از گفتگو با نتایهاو، اوایل آبان عازم سرزمین‌های اشغالی شد و با ملک عبدالله دوم پادشاه اردن و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، دیدار داشت. نتیجه این دیدارها، اعلام توافق بود که بر اساس آن، وضعیت اداره و مدیریت حرم شریف به صورت سابق خواهد بود، یعنی مسلمانان از حق برپایی نماز در مسجد و غیر مسلمانان از حق بازدید از این مکان برخوردار شوند، ضمن آنکه دوربین‌هایی به صورت شبانه‌روزی برای نظارت بر رفت و آمدها نصب شود. اگرچه اردن و آمریکا این طرح را قابل قبول دانسته و آن را اجابت کامل درخواست فلسطینی‌ها دانستند و طرف اسرائیلی نیز امیدوار بود با این طرح، آرامش را به سرزمین‌های اشغالی و کرانه باختری بازگرداند، ضمن آنکه در پی این دیدارها لغو قانون سنی برای نمازگزاران نیز اجرا شد. با وجود این، محمود عباس که در دیدار با کری، خواهان تضمین حفظ وضعیت کنونی مکان‌های مذهبی بیت المقدس و شفافیت قوانین مربوط به حرم شریف شده بود، به دلیل عدم حضور به عنوان نماینده فلسطینی‌ها نسبت به طرح پیشنهادی، موضع گرفت. وی همچنین از سرگیری مذاکرات را منوط به توقف شهرک‌سازی، آزادی سی زندانی اسلو و جایگزینی طرف مذاکره از اسرائیل به آمریکا کرده است. اگرچه برخی اخبار بر این امر تأکید

رانیز متأثر خواهد کرد. افزایش گرایش‌های یهودیان موافق دموکرات‌ها به جریان‌های یهودی مخالف اسرائیل که باور دارند روابط تنگاتنگ و پیچیده واشنگتن - تلاویو، موجب تقلیل منافع ملی آمریکا به اهداف اسرائیل شده است، می‌تواند در بلندمدت هزینه‌های بسیاری را برای رژیم صهیونیستی رقم بزند. به نظر می‌رسد نتانیاهو در نظر داشته است این اختلافات به دلایلی از جمله حمایت اکثریت یهودیان آمریکا از کاندیدای موافق اهداف اسرائیل، به ریاست جمهوری آینده انتقال پیدا نکرده و از عمق آن در همین دوره کاسته شود. از این رو، روابط نزدیک و صمیمانه با کاخ سفید و تیم باراک اوباما که نتانیاهو تلاش دارد در میان یهودیان آمریکا القا کند، یکی از اهداف اسرائیل برای ترمیم روابط با کاخ سفید بوده است. بخش‌های مهم سخنرانی نتانیاهو در این کنفرانس یون مؤید این نکته بوده است: «من دیروز در دیدار با رئیس جمهور اوباما قول‌های شگفت‌انگیزی را در مورد تأمین امنیت اسرائیل در دهه پیش رو شنیدم از این بابت باید بگویم ممنونم آمریکا و ممنونم باراک اوباما».

بُرد در معامله نظامی؛ هدف محوری اسرائیل

مهم‌ترین هدف نتانیاهو در سفر اخیر خود به آمریکا، جلب رضایت کاخ سفید برای افزایش کمک‌های نظامی بود. وی در دیدار با اوباما بر این مسئله تأکید کرد و گفت: «ما به وضوح امروز در حال آزمون خود در شرایط ناامنی و بی‌ثباتی خاورمیانه هستیم. من فکر می‌کنم این فرصتی فوق‌العاده مهم برای همکاری با یکدیگر است. برای اینکه بدانیم چگونه می‌توانیم از خودمان در مقابل تجاوز و ترور دفاع کنیم... اسرائیل امیدوار است با هدف تضمین امنیت، کمک‌های سالانه آمریکا از سه میلیارد دلار به پنج میلیارد دلار افزایش یابد.» اوباما و نتانیاهو در این دیدار همچنین در مورد تجدید توافقنامه امنیتی ده‌ساله که می‌تواند به افزایش کمک‌های نظامی واشنگتن به تل‌آویو بینجامد، موافقت کردند و بر این مبنا سفر یک تیم آمریکایی در اوایل ماه آینده میلادی به اسرائیل به منظور بحث در مورد شرایط تجدید توافق، برنامه‌ریزی شد. این در حالی است که نتانیاهو پس از توافق هسته‌ای با ایران، بحث در مورد توافقنامه امنیتی با آمریکا را منتفی دانسته بود.

به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی مقطع کنونی را بهترین بستر برای توافق منافع طلبانه نظامی با کاخ سفید دانسته و در نظر دارد از وضعیت موجود در راستای موافقت آمریکا با گسترش معامله تسلیحاتی و بودجه نظامی بهره‌گیرد. یکی از اهداف مهم دولت اوباما به سرانجام رساندن مذاکرات سازش میان اسرائیل و تشکیلات خودگردان بود. سفرهای مکرر وزیر امور خارجه آمریکا به سرزمین‌های اشغالی، اعمال فشار بر طرفین،

کردند که نتانیاهو توقف شهرک‌سازی را که مورد درخواست آمریکاست، قبول کرده اما با وجود قدرت راست‌گرایان افراطی و بنیادی در اسرائیل، این امر بسیار بعید به نظر می‌آید. از این رو، به نظر می‌رسد نتانیاهو در این مقطع زمانی به همکاری‌های امنیتی محمود عباس و بازگشت وی به میز مذاکره که احتمال خاموشی ناآرامی‌ها را افزایش می‌دهد، بسیار امیدوار است و راه کار این امر را اعمال فشار کاخ سفید بر تشکیلات خودگردان می‌داند. اسرائیل از این امر یک هدف دوگانه را دنبال می‌کند: نخست؛ با اعمال فشار بر محمود عباس به ویژه از لحاظ بودجه اقتصادی، کنترل اوضاع را در دست بگیرد و دوم؛ به گفته موشه یعلون وزیر جنگ اسرائیل، با آمریکا وارد بده‌بستان شده و در مقابل مطالبات خود از کاخ سفید، به فلسطینی‌ها امتیاز دهد. بدین ترتیب، با توجه به بسترهای موجود، تسریع بهبود روابط با کاخ سفید را در دستور کار قرار داده است.

شکاف میان یهودیان آمریکا: از دیگر مواردی که موجب تعجیل بازگشت راست‌گرایان به کاخ سفید شده را باید شکاف موجود میان یهودیان آمریکا در پی مواضع مختلف آنها در مورد توافق هسته‌ای ایران دانست. این امر در سخنرانی نتانیاهو در نشست سالانه کنفرانس یهودیان آمریکای شمالی به خوبی بازتاب یافت. وی در این مراسم خواستار اتحاد یهودیان و گذر از اختلاف‌ها و شکاف‌هایی شد که میان یهودیان دموکرات و جمهوری‌خواه آمریکا بر سر توافق هسته‌ای ایجاد شده است. دویارگی میان یهودیان مخالف و موافق توافق، یکی از تهدیداتی است که در صورت تداوم نه تنها کانون ایدئولوژی صهیونیسم مبتنی بر ملت واحد و یکپارچه در جهان را تهدید می‌کند، بلکه مواردی همچون روابط آمریکا و اسرائیل

طرح‌های مختلفی همچون طرح اصولی جان کری و... همه در راستای این هدف انجام شد. با وجود این، خلف وعده طرف اسرائیلی در تعهدات خود از جمله آزادی کامل زندانیان اسلو و همچنین پافشاری بر شهرک‌سازی در کرانه باختری موجب شد روابط دولت اوپاما و نتانیاهو حتی پیش از مذاکرات هسته‌ای ایران با تنش مواجه شود. از این رو، به نظر می‌رسد کاخ سفید در تلاش است آخرین گام‌های خود را برای حل بحران اسرائیل و فلسطین در مقطع کنونی برداشته و تثبیت حداقلی روابط این دو را به صورت از سرگیری مذاکرات سازش، در کارنامه خود ثبت کند. بدین ترتیب این هدف، بستر مناسبی را برای اسرائیل فراهم کرده است که در ازای وعده امتیاز به طرف فلسطینی، رضایت آمریکا را به اعطای تسلیحات و افزایش بودجه نظامی، جلب کند. تأکید نتانیاهو بر «امید اسرائیل برای تحقق راه‌حل دو دولتی» و همچنین تأکید بر برخی اقدامات در حیطه‌های رفاهی به نفع فلسطینی‌ها در دیدار با اوپاما، مؤید این امر است.

این در حالی است که دولت اوپاما گویا برای رد اتهام مبتنی بر اسرائیل‌ستیزی و یهودستیزی که از سوی برخی سازمان‌ها و لابی‌های یهودی همچون سازمان صهیونیست آمریکا یا ساختار سیاسی اسرائیل در جریان است و همچنین در پی فشارهای داخلی گروه‌هایی که به توافق هسته‌ای ایران بدین هستند، ناگزیر است در ازای توافق هسته‌ای ایران، به اسرائیل امتیازاتی را اعطا کند و در این میان، با برتری نظامی اسرائیل در منطقه هم‌سو باشد. از این رو، به نظر می‌رسد موافقت اوپاما با افزایش تسلیحات نظامی، ناشی از فشار ساختاری نفوذ یهودیان در ساختار سیاسی آمریکاست که در مقطع کنونی از سوی نتانیاهو به شدت دنبال می‌شود.

نتیجه‌گیری

سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به کاخ سفید و رعایت حساسیت‌ها و ملاحظات دموکرات‌های کاخ سفید، نشان می‌دهد اراده مبتنی بر تجدید روابط و تنش‌زدایی جایگزین قهر دیپلماتیک راست‌گرایان حاکم در تلاویو شده است. اگرچه بسترهای این تصمیم و اهداف مورد نظر اسرائیل در این گزارش بحث شد، اما مسئله دیگری در این میان قابل تأمل است و آن جایگاه این تجدید مناسبات در دامنه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دیگر، پیامدهای تجدید روابط اسرائیل با کاخ سفید برای ایران چیست؟

برای تبیین این سؤال ابتدا باید به این امر توجه کرد که عدم تغییر جدی در روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا به عنوان یکی از نگرانی‌های اصلی رژیم صهیونیستی، این اطمینان را به اسرائیل داده که همچنان می‌تواند از

طریق کاخ سفید اعمال فشار بر ایران را دنبال کند. بنابراین، نتانیاهو در این دیدار تلاش کرد عملکرد خود را به گونه‌ای مدیریت کند که پذیرش ناگزیر توافق هسته‌ای با ایران و مهم‌تر از آن پذیرش نقش آمریکا در دستیابی به این امر را بازتاب دهد. این در حالی است که این رژیم به تدریج مانع تراشی در اجرای توافق را به شیوه‌های مختلف از جمله اعتمادزدایی از ایران در میان کشورها به ویژه آمریکا، در دستور کار قرار خواهد داد. وی برای این هدف در گام نخست با ورود دوباره به کاخ سفید در دوره اوپاما، از سویی از اختیارات این تیم برای برتری نظامی خود در مقابل ایران بهره گرفت و از سویی دیگر، در صدد است با ورود ساکنان جدید کاخ سفید، مانع تراشی در برابر اجرای برجام و اتهام به ایران برای نقض بندهای سند را به صورت گسترده دنبال کند. برای این هدف، تلاش نمود ابتدا اعتماد از دست‌رفته به اسرائیل که پس از سخنرانی نتانیاهو در کنگره به رغم مخالفت کاخ سفید در ساختار سیاسی آمریکا شکل گرفت را ترمیم نماید. با وجود این، دوره‌ای که نتانیاهو برای بازگشت به کاخ سفید انتخاب کرده، حداقل پیامدها را بر موقعیت ایران خواهد گذاشت، زیرا دوره اوپاما در حال اتمام است و در این دوره کوتاه، گره‌های باقی‌مانده از جمله فلسطین و اسرائیل و نیز تداوم تقابل‌های پنهانی گذشته اعم از لفاظی‌های افراط‌گرایان یهودی تلاویو علیه اوپاما و جان کری و همچنین، بی‌اعتمادی به راست‌گرایان حاکم اسرائیل مانع از عادی‌سازی روابط و مناسبات این دو خواهد شد. با وجود این، هدف اصلی نتانیاهو از تلاش برای تنش‌زدایی با آمریکا در مقطع کنونی، نه سرمایه‌گذاری بر روی تیم کنونی کاخ سفید بلکه ساکنان آینده آن خواهد بود.

